

اعلامیه سازمان مارکسیستی لنینستی توفان
بمناسبت روز شهیدان

برخاک افتاده اند یاد همه آنها جاود انگریزی است . یاد آنها فقط برانگیزنده امواج اند و نیست بلکه گستراننده دریای امید است . یاد آنها یاد آرزوهای عظیم مقاومت و مبارزه خلیج است ، گواهاستین این حقیقت است که خلق مرعوب شدن نیستند ، شگجه بیند ، سرنیز میخورند ، گوله باران میشود ، کشته بشمار میدهد ، خون بید ریختن میکند ، ولی از یاد رنجی آید و هر یک ساززه را در مرحله عالی تر و بیرونی سپهرنگ تراز میگیرد ، و آننگونه آخر اشلیک میکند و پرچم پیروزی نهائی را بر وی افرازد .

در استان اسبق ارتش کماشمن ایران لقب گرفت در سال ۱۳۳۸ احقانه و بیشرمانه در اطلاعیه اعدام یکی از شهیدان نوشته بود : اینها باید بعیرند تا سلطنت محمد رضاشاه پهلوی محفوظ بماند . این اعترافی بود برای اینکه زندگی ملت ایران در مرگ سلطنت محمد رضاشاه است ، و ملت ایران بد رستی آنرا در ریافت . جالب توجه است که هر چه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دورتر میشود و بویژه در سال های اخیر تعداد شهیدان افزایش می یابد . تاریخ بیست ساله اخیر ایران جنبشی بوسعت جنبش های خرد را ۱۳۴۲ با آنهمه قربانی بیاد بندد . چو به های اعدا امپرشاهها محمد رضاشاه میچکا بماند از سالها و ماههای اخیر از شهیدان پذیرائی نکرد است . این امر نشانه شدت مبارزه است ، گواه سراسیمگی رژیم است که تکیه گاه دیگری جز سرنیزه شدن در اراده خنقی است که روز بروز در راه قهر آمیز مبارزه مصمم تر میشود .

شهیدان محمد رضاشاه منحصر به طبقه و قشر خاصی نیستند ، کارگر ، دهقان ، روشنفکر ، معلم ، پزشک ، دانشجو ، دانش آموز ، کارمند ، پیشه ور ، حقوقدان ، کاسپار - بقیه در صفحه ۲

خون های تازه شهیدان
خورشید های روشن برهان اند
روزمرگ ارانی (۱۴ بهمن ۱۳۱۸) روزیاد کرد همه شهیدان است . روز شهیدان بنام ارانی افتتاح میشود زیرا که ارانی سر سلسله راهگشایان مبارزه بر ضد سلسله پهلوی است که رخشانترین چهره های است که در دوران پس از انقلاب مشروطیت و کودتای سفند ۱۲۹۹ ، در عهد تثبیت موقت ارتجاع ایران ، در بحبوحه قدرت فاشیسم جهانی در قرض بیگاری برافراشت ، پرتو مارکسیسم لنینیسم را بر ایران افکند ، بهی ریزی حزب طبقه کارگر ایران دست زد ، " نیروی ملی " و آفرینندگی رنجبران راستود ، رژیم پلیسی رارسوا کرد ، سیمای تهی کار فاشیسم را که سرشقی حکومت رضاشاه بود نشان داد ، از زندان و شکنجه مرگ نهراسید و جان بر سر آرمان خلق نهاد زانی در محکمه رضاخانی گفت : " قانون اساسی ایران محصول انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله میدهد ، هزاران نفوس جهت تحصیل این چند ماده قانون قربانی شد . . . و باید بهمان ترتیب که تحصیل شده کامل کرد . " در واقع ارانی در آن روز ، در سی و چند سال پیش ، بهروز بنویست ها که مبلغ را مسالمت آمیز اند پاسخ گفت و با بصارت مارکسیستی - لنینیستی پیش بینی کرد که انقلاب باید ایران نیز " از خون جوانان وطن " آبیاری خواهد شد . آنچه ارانیسی آموخت و عمل کرد الهام بخش نسل معاصران انقلابی است .

از روزگار ارانی تا امروز تعداد شهیدان سلسله پهلوی شمارش پذیر نیست . ده ها هزار مبارز نامد اروگن نام در اعصاب کارگری در رشورهای دهقانی ، در نمایش های دانشجوئی ، در دستبزه ها ارتش و پلیس و سازمان امنیت ، در بیخوله های قتل معمولی و مهران و لشکر زری ، در بر بر چو به های اعدا ام ، در نبرد مسلحانه

تظاهرات مخالفت با رژیم
بخا طریا سدارى از آن

ستایشگران رژیم شاه کیانند ؟ نخست گروهی از روشنفکران خود فروخته از قماش نیکخواه که آشکارا وی پرده هستایش از ستم و ستعری ، ستایش از فروریزی ریشانی مرد هوا سارت میهنی پرورد از سد زبان و قلم خود را بخاطر جابجاء و ماقدم را اختیار و زخمی خلق های ایران میکند از ند و اهریمن رافرشته و سیاه راسفید میخوانند . این گروه آبرویاختره همیشه شناسند ، آنها خود ماهیت خیانتکار خویش را عرضه میدارند ، هر چه پیش بگویند و پیش بنویسند بر کوس رسوائی خود پیش میگویند . آخر چگونه میتوان در مرحله شهیدان در رژیم رافرشته خوانند " و صب و لعن مرد مراد بخود نخرید ؟

گروه د لالان ایرانی امپریالیسم شوروی همان نقش نیکخواه هارا بازی میکنند منتها آنرا در زیر پرده های آزادی و تزویر ، در لاف و فاع از تود های مردم ، در ریش الفاظ و عبارات کتبی فریبنده میوشانند آنها آرایش شاه و رژیم ، حفظ و حراست شاه و رژیم و برابشوییه در یکی انجام میدهند : مسئولیت ناساماتی کشور و مردم را نبروش شاه که کرد اند " رژیم کنونی است بلکه مردم و مسئولین در جسد و م و سوهمرگد ارند . گویا شاه از آنچه در سلطنت میکند در بیخبر است و این مسئولین امور اند که گویا " نیات ملوکانه " را بد رستی نمی فهمند ، امور کشور را به پریشانی سوق میدهند ، مردم م سترو امید ارند . در " رادوی بیگ ایران " ، در مطبوعات این گروه نامی از شاه پرده نمیشود گویا اساسا مسئولیتی متوجه و نیست . آنها با این شیوه میگویند توجه مردم را از سبب اصلی کتیه " جنایات و خیانت ها برگردانند و در پیرامون شاه هاله های از قدس بکشند .

اخیرا از طرفی این گروه روست که کتنام رهبری حزب توده ایران بر خود مینهد ، ادعاهای ملیه نصیری رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) صادر شده که رادوی بیگ ایران آنرا به اطلاع شنوندگان خود رسانید . در این ادعاهای از ادستان دیوان کشور خواسته شده است که نصیری را بمناسبت جنایاتی که سازمان تحت مسئولیت او نسبت به مردم ایران مرتکب میشود محاکمه بکند و محکوم کند . در ضمن به ادستان دیوان کشور نیز هشدار میدهند که در صورت عدم اقدام این کار در برابر مردم ایران مسئول شناخته خواهد شد .

یک آن تصور کنید : ادستان دیوان کشور که خود در دست ساز امنیت موجود زبون و بیچاره ایست باید رئیس این سازمان را که مستقیما پاشاه سروکار دارد و به نخست وزیر هم با آنکه معاون اوست حساب پس نمیدهد محاکمه فرخواند و بکیفر برساند .

در وهله اول اینطور نظر میسرند که این ادعاهای از طرفی کسانی صادر شده که از همه جا و همه چیز بیخبر اند ، در عالمی که با سرنیزه ها با با وضاع ایران و جهان مانند سابق تگرشی کیهانی " دارند " شاید این آقایان تجربه گذشته تاریخ را از یاد برد هاند ؟ ببینید در کتارانی فقید در ادگاه تاریخی ۵۳ نفر از قوه قضائیه چگونه یاد میکند . او خطاب بقضات میگوید : شما اهمیت قوه قضائیه را ننزل داد و آنرا یکی از شعب شهریانی قرار داده اید . . . شما بجای آنکه شهریانی مطیع اوامر شما باشید شما مجری اوامر آن هستید و سیاست اداری و اخلی شهریانی هم هیگل ضعیف شمارا مانند عطف در مقابل باد میبلرزاند . . . یکی از این اهمیت ترین ما مورین اداره " سیاسی که قبلا خود را مستنطق مینامید و من آنها را نامستنطق مینام گفت : " محکمه سنگ کیانند بد و ناجاز شهریانی کسی را تمبر کتیا محکوم کند . . . آیا اکنون وضع قوه قضائیه طور دیگر است ؟ آیا امروز سازمان امنیت بیش از شهریانی مختاری جریانات کشور را زیر نظر دارد ؛ بیش از دوران گذشته فعالیت عالی مایشا " نیست ؟ نه ، هر کس که اندکی بوضع ایران آشنائی داشته باشد بخوبی میداند و میفهمد که چنین ادعاهای ای بقیه در ص ۳

از مدیترانه به خلیج فارس

برمیدارند .
امپریالیست ها برای آنکه در صورت لزوم از لوله های نفت مدیترانه ای نیاز باشند افزایش میزان حمل نفت از طریق خلیج فارس را در نقشه "خوش وار" کردند . سابقا نفت ایران از آبادان حمل میشد ولی چون وضع طبیعی اروند رود برای بارگیری کشتی های بزرگ مناسب نیست امپریالیست ها با مخارج گزافی که در آخرین مرحله حساب دولت ایران نوشته میشود اسکله عظیم خارک را ساختند . نفت آبادان و بندر معشور بوسیله لوله از کچساران و از کتار بندر کتار و به جزیره خارک میرسد و در آنجا با کشتی های پانصد هزار تنی به ژاپن و اروپا و سایر نقاط حمل میشود . تا وقتی که جزیره خارک مورد استفاده امپریالیست ها نبود اثری از آبادانی ند اشت و زندانیان سیاسی که برای مرگ تد ریجی بد انجام فرستاد میشدند از سبزی و میوه و گوشت از د اروپا میسرند و پزشک ، از سایرانی که از لیبیب خورشید بسکاهد محروم بودند و چراغ شبهایشان ساحل فسفری خارک بود . ولی همینکنسافع امپریالیست ها اقتضا کرد خارک بصورت کارگاه عظیم صنعتی درآمد تا کشتی های غول پیکر امپریالیست هارا از خون و ثروت خلق ماسیراب کند . جزیره خارک که با تاسیسات خود گوشه ای از خاک کشورهای متروپول امپریالیستی را بیاد می آورد و بندر ریگ که در همسایگی او با کتیه های فرور برخته ، چاه های خشک ، نخلستان بیمار و نزار ، مردمان گرسنه و برهنه در آرزوی آبادانی میسوزد ، هر چه محصول سیاست واحدی هستند ، در طرف یک مدال اند . در کشور استعمار زده " ما هر چه هست و نیست بخاطر امپریالیستهاست محمد رضاشاه با رها با لاف و کزاف بسیار از تاسیسات جزیره خارک و کشتی های پانصد هزار تنی آن صحبت کرد هاست ولی همصید انسد کتخارک جزایکا مرا هزنان امپریالیستی چیزی بگریخت . های امپریالیست ها امید دارند که با استفاده از تاسیسات خارک از لوله نفتی مدیترانه و نفت مدیترانه نامدی تی نیاز گردند : هم اکنون ۴ درصد نفت مصری ژاپن و اروپا از خلیج فارس میگذرد و در چند سال آیند میزان مذکور به ۲۰ درصد خواهد رسید . نویسنده روزنامه "لوموند" بد رستی اظهار نظر بقیه در صفحه ۲

در سال های اخیر حوزه مدیترانه برای انحصارهای نفتی امپریالیستی بصورت منطقه نا امن و نامطلوب در آمده است . دولت الجزیره دولت لیبی در مبارزه با کمپانی هار در اس دولت صاحب نفت قرار دارند . ملی کردن شرکت های نفت و مبارزه شدیدی با سیاست امپریالیستی بازی با قیمت ها بکه الجزیره و لیبی در پیش گرفته اند . منافع امپریالیست هارا بویژه در حوزه مدیترانه سخت به خطر انداخته است . از طرف دیگر لوله های عظیمی که نفت عراق و عربستان سعودی را به مدیترانه تحویل میدهند از شدت و کوه کشورهای متحد عربی ، مانند لبنان ، اردن ، سوریه و یمنگد و هر لحظه از آتش خشم و طغیان خلق های ضد امپریالیستی این کشورها در معرض تهدید است . انحصارهای نفتی از اینک برخی از دول عربی برای گد از لوله های نفتی از خاک خوش حقوق بیشتری مطالبه میکنند بر آشفته اند . و همه این عوامل باعث شده است که از حوزه مدیترانه گریزان گردند .

امپریالیست ها به منظور خنثی کردن ضربات دولت الجزیره و لیبی و احتراز از خطراتی که لوله های نفتی را تهدید میکند از حوزه مدیترانه حوزه خلیج فارس روی آورده اند . خلیج فارس که میترت قرارگاه امپریالیست هاست ، ذخایر نفتی آن از همه جا بیشتر و مخارج استخراجش از همه جا کمتر است . ساحل شمالی خلیج فارس در دست یکی از چاکران وفادار استعمار است که با کتودتای نظامی ۱۹ میلیون دلاری بکک آدم کشان سازمان امنیت برار کرده قدرت نشسته است و میتواند پاسبان منافع امپریالیست ها باشد . افزایش میزان استخراج نفت ایران که هر بار با صحنه های ساختنی و " جنگ زرگری " محمد رضاشاه و انحصارهای نفتی صورت گرفت بخشی از نقشه های امپریالیست ها بود که میخواستند بر ذخایر نفت استخراجی خوش بیفزایند تا در موقع خود بتوانند در برابر قطع نفت الجزیره و لیبی و سایر کشورهای درنده نفت آمادگی داشته باشند . در واقع نفت ایران (سالیانه بیش از ۱۹ میلیون تن) در دست امپریالیست ها بصورت وسیله ای بر علیه کشورهای بکاررفته و میروند که قدمهای جدی در راه احقاق حقوق خویش

دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه !

امریکا - پلیس جهانی

شرح زیرین که عیناً از روزنامه لس‌آنجلس مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۷۱ ترجمه میشود افشاگر شیوه های جدیدی است که امپریالیسم آمریکا در ایفا نقش پلیس جهانی بکار میبرد. در عین حال از ماهیت سازمان امنیت ایران پرسره بر میگردد. عنوان اصلی مقاله چنین است: "دکترین نیکسون و کمک به پلیس‌های خارجی".

رهبران آمریکا که در هر فرصتی تکرار می‌کنند که تصمیم گرفته‌اند دیگر زاندارم جهانی نباشند روز بروز بیشتر به سازمان دادن پلیس کشورهای دیگر، به پرورش آن و تقویت مالی آن مشغول اند. قسمت مهم این "کمک فنی" بوسیله... که شعبه "آژانس توسعه بین‌المللی" میباشد و بوسیله فرهنگستان بین‌المللی پلیس بعمل می‌آید و این هر دو موسسه در ۱۹۶۲-۱۹۶۳ بدست کندی بنیادگذاری شده‌اند. در آغاز صحبت از آن بود که بطور عمده به تحکیم رژیم‌های "دوست" در آمریکا تکیه کک شود (و فرهنگستان مذکور در اول فرهنگستان پلیس قراره آمریکا نامیده میشد) ولی اینک فعالیت مذکور بر سی و یک کشور شامل گشته است و دوسوم بودجه این کمک در سال مالی ۱۹۷۰-۱۹۷۱ به آسیای جنوب شرقی خواهد رسید. سلما روپهم رفته ۱۱۰ هزار پلیس در سراسر جهان بطور مستقیم یا غیر مستقیم با... و یا "فرهنگستان بین‌المللی پلیس" سروکار دارند. فرهنگستان مذکور از سال ۱۹۶۲ تا تا زمانه ۱۹۷۰ قریب سه هزار و پانصد کارشناس حفظ نظم تربیت کرده است. بیش از دو هزار نفر دیگر در موسسات مختلف آمریکا که متخصص مراقبت اهالی هستند آموزش و پرورش دیده‌اند اخیراً وزارت خارجه آمریکا نطقی را که آقای آلکسیس جونسون، معاون امور سیاسی آن وزارتخانه روز ۱۳ اوت در "فرهنگستان بین‌المللی پلیس" ایراد کرده منتشر ساخته است عقیده آقای جونسون که خود در تاسیس این مدرسه شرکت داشته "فرهنگستان بین‌المللی پلیس" تجسم افکار و نظریات آقای نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا است. وی میگوید: "نیکسون بار دیگر این نکته را تاکید میکند که کشورهای دریافت کننده کمک باید خودشان به بهبود کار خویش کمک برسانند." وی همچنین میگوید: "ملت‌های مختلف باید از خود دفاع کنند و پلیس باید نقش بزرگی ایفا کند. پلیس "بارزترین مظهر اقدام دولتی است". زیرا که دولت "در وظیفه مهم دارد: حفظ نظم و دفاع از جان و مال". "طبیعتاً پلیس باید اولین کسی باشد که مسائل مربوط به نظم داخلی را حل کند، اولین کسی باشد که علائم ناراضماندی مردم را دریابد".

آقای جونسون بازم اظهار داشته است: "اینکه دولتی بوسیله زور سرنگون شود و اقلیت کوچکی از فعالان اجتماعی بر سر کار بیایند پدیده تازه‌ای نیست. پدیده تازه نیست که این گونه کارها را بتوان از خارج ترغیب و پشتیبانی و نظارت کرد".

بسیاری از نمایندگان آمریکا و از آن جمله سناتور جرج کک که به پلیس رژیم‌های دیکتاتوری را شدیداً محکوم ساخته اند. ولی مخالفان آنها بر اهمیت این کمک و بر اینکه کارشناسان پلیس آمریکا "از جنگ‌های بلیوی تا کوهستان - های پربرف ایران" در معرض خطراند تکیه می‌کنند. کمک آمریکا به پلیس‌های ممالک دیگر در خاورمیانه، در آفریقا، در آمریکای لاتین و طبیعتاً در جنوب شرقی آسیا احساس میشود. رهنمایی که برنامه "ویتنامی کردن" بسرعت انجام میگردد بحدی است که دستگاه عظیم و موثر پلیس در ویتنام جنوبی بصورت هدیه مهم واشنگتن درآمده است. همه کس میدانند که عملیات موسوم به "سندرز" که تحت عنوان "ایجاد آرامش" صورت گرفت چه دامنه وسیعی داشت. در طی این عملیات فقط در سال ۱۹۷۰ ۱۵۳۰۰۰ نفر بازداشت شدند و چندین ده هزار نفر از دهقانان از سال ۱۹۶۸ به بعد در شرایطی که در خود آمریکان نیز محکوم شد بقتل رسیدند. آمریکائیان باید در سال مالی جاری به ۱۲۲ هزار پلیس کمک برسانند و آموزش بدهند (برنامه‌ای که ۸۴۱۸۰۰ دلار خرج برمیآورد) و نیز باید مخارج ساختن و یا تجدید ساختمان زندانهای را بپردازند که هم اکنون قریب ۳۰۰۰ جا دارد. آمریکائیان در تایلند بر مساعی خود می‌افزایند (یعنی ۹ میلیون دلار خرج میکنند) تا بتوانند علاوه بر هدف‌های دیگر به ساختمان ۱۰۰۴ پست پلیس‌نائل آیدند. در لاوس نیز تقدم با حفظ نظم است و عدای از پلیس-

های آنجا در تایلند تربیت شده‌اند. ولی کمک آمریکا منحصر به تربیت کارشناسان واقع نیست. مهمات بسیار مدرن - وسائل مخابرات، اسلحه، وسائل حمل و نقل و غیره - نیز تحویل میدهند. از طرف دیگر نمیتوان مبالغه را که آمریکا میبرد از دقیقاً معین کرد زیرا که مسلماً بخشو، از بودجه وزارت جنگ آمریکا مصروف نیروهای پلیس و یا شبه پلیسی است. در هر حال مبلغی که "آژانس توسعه بین‌المللی" و وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۹۷۱-۱۹۷۲ باین منظور در ویتنام خرج خواهند کرد مجموعاً سه برابر سال ۱۹۷۰ است بنا بر نوشته روزنامه نیویورک تایمز یک مقام عالی رتبه "آژانس توسعه بین‌المللی" اظهار داشته است: "آمریکا بصورت پلیس جهانی، بمعنای کاملاً دقیق این کلمه، در می‌آید. این شیوه‌های مداخله البته از شیوه اعزام ارتش کم‌خرج تر است و کمتر چشم‌میخورد ولی جزئی از همان استراتژی حفظ نظم است

برنامه فرهنگی شاه

فرهنگ مترقی ایران فرهنگ شاهان ایران نیست فرهنگ توده‌های خلق ماست که با دستهای توانای میلیون‌ها مرد میهن ما بنیاد گشته است. آنجا سلاطین محمد رضا شاه در طول ۲۵۰۰ سال برآورد با زر و سیم و صلف و انعام خریدند و از سلسله‌های از دورمانی به دورمانی رد نمودند فرهنگ ارتجاعی طبقات حاکمه کشور ما بود. انوشیروان وام‌از دولت بیگانه را بر کمک پیشرویی که در مقابل نثار هستی خویش میخواست فرزندش امکا آموزش داشته باشد ترجیح میدهند. ناصر خسرو طوی سالها بکوه و دشت متواری میگردد تا به خفت‌گرفتار در مقابل شاهان تن در نهد و اعوان و انصارش به جرم "ارتداد" قطعه قطعه میشوند. محمد رضا شاه بحق وارث خلف نرسی‌ها شاه سلطان حسین‌ها و ناصرالدین شاه‌هاست. ولی خلق ایران فرهنگی بر غنی و انقلابی دارد که زمانی راهنمای بهرام چوبینه بود و لحظه دیگر از جنبش دهقانی خرم‌بینان سر درآورد بماند ای‌گاو آهنگر آغازین گرفتار پایه‌های تخت نوشیروانی را بلرزاند و بساط فرنگی مهاجمان را از ایران زمین برچید. این فرهنگ در دوران سلطه پهلوی با خون کمزیرستهای قهرمان و رزمندگان دلاور خلق ایران آبیاری گشته در تار و پود معنویات جامعه ما رسوخ نمود موافقاً گر جنایات امپریالیستها و نوکرانشان است. فرهنگ خلق مادر مبارزات شکوفان آذر ۳۲ و بهمن ۴۱ تجلی میکند. شهیدان دانشگاه‌های ایران تنها گوشه‌ای از مبارزات خلق و سیاست ضد فرهنگی رژیم ایران را آشکار مینمایند. بسیاری از معلمین و اساتید دانشگاه‌ها بسیاری از نویسندگان و خبرنگاران، بسیاری از دانش‌آموزان و هنرمندان به شججه‌های سبعانه "امنیتی‌ها" اسیر گشته و یا جان داده‌اند.

فرهنگ ایران را در دربار سلاطین ایران نجوئید همه زندگی توده‌های خلق رجوع کنید که در بانی بیکران از فرهنگی غنی و انقلابیست.

سیاست فرهنگی رژیم ایران سیاستی ارتجاعی است. از طرفی دانش‌آموزان را بورفه گواهی شش‌ساله متوسطه مزین میکند و ظاهراً حق تحصیلات عالی را با دادن دیپلم برایشان قایل است و از طرف دیگر سد کنگور را بنا مینهد و غریبال شهریه را برقرار میسازد تا عده معدودی آنهم از طبقات بالای جامعه جواز عبور کسب نمایند. روزی با تعیین حد اکثر سن روزی بسا گذاردن شهریه‌های کلان‌روز دیگر به‌بهانه عدم حفظ نظم دانشگاه توده بسیاری را از حق تحصیل محروم میسازد. در حقیقت که با داس‌مرگ بجان فرهنگ افتاده است "سیاه دانش" برپا میکند و مدعی بر افتادن بیسوادی در ایران است. همینکه دولت ایران از زبان خواهر توامان شاه مدعی ساختن ۲۵۰۰ مدرسه برای یاد بود جشنهای ۲۵۰۰ ساله میشود در واقع اعتراف میکند که سالها در زیر سلطه شوم پهلوی ۲۵۰۰ مدرسه کسر

اعلامیه... بقیه از ص ۱ هیچ صغی نیست که در خون بمحمد رضا شاهند اشتها باشد. هیچ حزب، جمعیت، سازمان، جبهه و گروهی نیست در موکراتیکی نمیتوان یافت که داغ و درفش محمد رضا شاه را بر بیکر خویش نیاز زوده باشد. تاریخ شهیدان تا آنجا که مربوط به مقاومت در برابر رژیم پوسیده استبدادی و مجاهدت در سرنگونی آن است تاریخ مبارزه واحدی است. معتقدات سیاسی و مسلکی و مذمبی و حزبی و سازمانی شهیدان ایران هر چه بود، ماست، همه آنها عملاً و بطور عینی در جاده واحدی گام بردارند. در این امریدی بی‌نیتوان تردید کرد که گنیه نیروهای کبرصد دشمن واحدی در ریکا راند خواستار ناخواه، آگاه و ناآگاه همسایر وحدت اند. از این جهت باید شهیدان باید انگیزه وحدت همه مبارزان ایران باشد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و وظیفه خود میسازد که در این روز بزرگ شهیدان همه جمعیت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افرادی که صمیمانه خواستار مبارزه بر ضد رژیم محمد رضا شاه‌هاست پیام برادرانه بفرستند و ضرورت همکاری و وحدت عمل در مسایل مشخص را تاکید کنند. اکنون که سازمان امنیت و همچنین روزیو بانام مسائل میکوشند کمرکشتگی ایدئولوژیک و سیاسی ایجاد کنند، مسایل فرعی نهضت می‌ضد استعماری ایران را برجای مسائل عمده بنشانند، روشن‌فکران را به بحث‌های تجریدی و بیجا مشغول دارند و سازمان‌های تفرقه‌افکن برانگیزند. وظیفه ماست که نقشه‌های شوم آنها را افشای کنیم و همگامی و وحدت را برجای تفرقه‌بنشانییم. این امر معنای زد و بند گنیه اختلافات و تضادهای متقابل گفرائید و وابستگی‌های طبقاتی هر یک از نیروها و درجه‌آگاه‌های سیاسی آنها میباشد. نیست. همکاری در مسائل مشخص اکنون میتواند در میان جمعیت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افرادی که صمیمانه خواستار مبارزه بر ضد رژیم‌هاست بوجود آید. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بنویسه خود پیوسته در راه تحقق این امر خواهد کوشید.

درود به همه مبارزانی که شافع خلق را بالاتر و بالاتر از هر چیز می‌شمارند.

افتخار برزندانیان سیاسی.

تابناک با یاد همه شهیدان را مخلص.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

بوده است. این اعتراف همچنین حاکی از آنست که در حین تبلیغات کرکننده مبارزه با بیسوادی، تعداد "ناچیز" کمبود ۲۵۰۰ مدرسه را منگوم میداشتند و روزی که در میدان تبلیغاتی دور برداشته و در روزهای گذشته را فراموش نمودند اعلام میدارند که تعداد مدارس به ۴۰۰۰ خواهد رسید. این اعتراف ثانوی، دیگر نیازی به تفسیر ندارد و مبین آن است که تا چه حد در دروغ و خیانت غرق گشته‌اند. کمبود ۴۰۰۰ مدرسه داغ‌ننگی است بر پیشانی رژیم که میلیاردها ریال از قوت زحمتکشان میهن ما را خرج مضحکه تخت جمشید میکند. عدت بیسوادی، فقر و بدبختی در خیانت دربار پهلوی، در سیستم حاکم در ایران نهفته است. بر افکندن بیسوادی تنها از طریق نابودی رژیم حاکم در ایران میگردد. وقتیکه ۷۰ هزار دینیه را بجرم دارا بودن حق تحصیلات عالی از ادامه تحصیل بضرط محروم میکنند و از رفتشان بخارج نیز جلو میگیرند، سخن تاسیس هزاران مدرسه مانند تها اکاذیب رژیم سخن پوچ و توخالی است. اما خلق هوشیار ما به این ترهات باور ندارند، واقعیت‌مدارس پایتخت را می‌بینند که اگر از نعمت میزوسندی، یک بخاری گرم، داشتن یک تخته سیاه قابل استفاده محروم اند. او می‌بیند که کلاسه‌های ۶۰، ۷۰ نفری، شهریه‌های گران مغایر سینه چاک کبی رژیم برای فرهنگ و بر افکندن بیسوادی است. او می‌بیند که ریختن خون خانعلی‌ها مانع ارتقا، درجه شهرستانی‌ها نیست. تظاهرات سال گذشته دانش‌آموزان و دانشجویان جواب کوبنده‌های به سیستم ضد فرهنگی رژیم ایران است. درهای بسته دانشگاه‌ها ایران در سالی که گذشت، اشغال نظامی آنها و تیرباران دانشجویان دانشگاه‌ها مبین سیاست ضد فرهنگی رژیم است و نه ادای ساختمان ۲۵۰۰ مدرسه. اخاذی‌های جدید رژیم برای چند شب‌عیش و نوش که از آنها در افسانه‌های هزار و یکشب سخن آمده، فشار مادی و معنوی بی‌حدی که بر خلق ایران تحمیل نمودند، آرامش قبل از توفان است. این تافته بدست رژیم بافته، بی‌تردید کفن آتی او خواهد بود.

ازجمله بجهاد ... بقیه از ص ۴
 کشور را نیز در جریان افتادن در چرخین راهی است، از ط... سرفی برانگیختن کینه و تعصب ملی در میان خلق ها آنچنان که ششلاژ یوکوسلاوی با اجرای آن مشغول است تا شاید بهانه‌ای برای مدخله "دیکتاتوری بین المللی پرتاریا" بدست آورد و یوکوسلاوی را نیز در زیر سلطه خود در آورد. امپریالیسم شوروی، مانند امپریالیسم امریکای رسیاری از کشورهای جهان در اروپا، در آسیا و در آفریقا دارای پایگاه‌های نظامی است، ناوگان جنگی، اتس و جاسوسی وی در سراسر اقیانوس ها پراکنده است، اینجا و آنجا برای خود پایگاه‌های دریایی دست و پا میکند و بر تعدد اد آنها هر روزی افزایش به سود اگری سلطه میبرد از د برای ارتاب کشورهای گاه‌گاه به نگاه دست به انورهای نظامی میزند ... می بینید که این شیوه‌های استعماری باشیوه هائی که استعمارگران، طی قرون گذشته، برای تحصیل و حفظ مستعمرات توسط و توسعه آنها بکار بسته‌اند و امپریالیسم در حال حاضر برای مقاصد نواستعماری خود بکار می بندد و سر موشی تفاوت ندارد.

از همه اینها ننگین تر و نگرانگیز تر اینکه برای نیل بطامع سوم و بلند خود آرمان های مقدس طبقه کارگر را بسپاری میگیرد. اگر در سابق استعمارگران با شعار هائی کشورهای عقب ماند هار "توحش و بربریت" و انداختن آنها در راه ترقی و تمدن بصرف سرزمین های دیگران و غارت و استثمار مردم آنها میبرد اختند. امروز امپریالیسم شوروی با شعار هائی نظیر "حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش" "آزادی"، "استقلال"، "صلح و سوسیالیسم" حاکمیت و استقلال خلق هار از زیر پای میگذارد. همین اتحاد شوروی که بنام "حقوق ملت ها" بصرف سلطانه بخشی از کشورهای گمان میبرد در مبارزه صلح خلق فلسطین و خلق های دیگر عرب علیه تجاوز صهیونیستی و امریکائی خرابکاری میکند، هزارویک نیرنگ بر روی انگیزد تا مانع شود کشورهای عرب سرزمین های از دست رفته خود را باز ستانند. آزادی، استقلال، حق ملت ها در قلموس شوروی چیزی جز بگرن گرفتن زنجیر اسارت امپریالیسم شوروی نیست. رویزونیست های حزب توده ایران نیز که هوادار سلطه کامل و همه جانبه ویلا، منازع اتحاد شوروی در ایران و کشورهای دیگر اند در واقع نقش دلالان استعمار نوین را بر عهده گرفته اند. این نکته نیز خطا ترا همیت است که در نیای پس از جنگ برای نخستین بار تعامیت از ضی یک کشور عضو سازمان ملل متحد مورد دستبرد قرار میگیرد و پامال میگرد و این دستبرد به فرمان امپریالیسم شوروی و پامال نظامی وی تحقیق می پذیرد. هیچیک از امپریالیست ها تاکنون گستاخی و بی پروائی رانا این درجه بالا نبوده اند. باید به روزنامه "الثوره" چاپ طرابلس حق داد که مینویسد: "اتحاد شوروی امپریالیست ترین کشور هاست ... ما دیگر نمیتوانیم به صداقت اتحاد شوروی وقتی که صهیونیسم و تجاوز امریکاراد آسیای جنوب شرقی محکوم میکند باور داشته باشیم"

از نشریات جدید توفان:

چند سفسطه ر ویزیونیستی

بها: معادل ۲۰ ریال

از مد پترانه ... بقیه از ص ۱
 کرد بود که "خلیج فارس در مقابل مد پترانه، در د فاعی کیانی های نفتی است" و امپریالیستها که دیگر نمیتوانند بشیوه های گذشته عمل کنند پاسداری از این دژ را بدژانند ار محلی یعنی محمد رضاشاهی سیارند. همین نویسنده (۱۱ دسامبر ۱۹۷۱) بصراحت نوشته بود: "کشورهای کیانیها بین المللی که گفته شده، ایران را با اشغال جزایر حاکم پرتنگه، هر مزیرانگیختند با این طریق معین کردند که کیانی باید بعنوان زاندر از خلیج فارس جان بشین انگلستان گردد".

"گماشته" کشورهای کیانی های بین المللی یعنی امپریالیستها و "زاندر خلیج فارس" — چنین است عنوان "افتخار آمیزی" که حتی جرائد بورژوازی نظیر لو موند نیز از اعطای آنها بمحمد رضاشاه خود داری نگردند.

اما امپریالیست ها بیهود مترسک محمد رضاشاهی را بر بالای "دژ دفاعی" خویش آویخته‌اند. سرنیزه رژیم کودتا هر چه بیشتر و سازمان امنیتش هر چه درنده تر باشد سقوط وی سهمگین تر و انقلاب ایران پر دامنه تر و عمیق تر خواهد بود و د بریزا زود خلسق ایران بکلمه خلق های عرب خلیج فارس را از زدن دریائی خواهد زد و د و هگانون تسخیر ناپذیر آزادی و موکراسی بدل خواهد کرد.

تظاهر بمخالفت با رژیم بقیه از ص ۱
 فقط حرف رفت است. این مردمان خود نیز به پیچی و بیهودگی اقدام خویش و اقب اند، منتها بمنظور خاصی بدان دست میزنند. هدف آنها از صد و راد عا نامه اینست که تمام جنایات سازمان امنیت را به گشودن نعمت نصیری بیند از ند و از سوی دیگر گردن د استان دیوان کشور کفنا گون نصیری را بمحاکمه فرخوانند و مجازات نرسانند هاست نتیجه این میشود که شاه، این جنایتکار اصلی، کسی که تمام جنایات سازمان امنیت زیر نظر وی است مستقیم اوصورت میگیرد، کسی که احکام اعدا فرزند ان مبین مارا امضا میکند، کسی که دستا نش تا آرنج در خون خلق های مبین مافروخته است، در برده میماند و نیر شمشود. آساکوت و رباره جنایت ها و خیانت های شاه، و شاه را ماهرانه از مسئولیت برکنار داشتن و گناه سیاه کاری های رژیم را بدوش چاکران وی انداختن، آرایش رژیم، حفظ و حراست شاه و رژیم وی نیست؟

با این نیرنگ هاست که این گروه از شاه رژیم وی دفاع میکند در عین اینکه رظا هر خود را در عداد مخالفان رژیم جا میزند. این گروه همان هدف نیکخواه هار اد نبال میکند ولی بان ظاهر مخالفت با رژیم میدهد و با این شیوه مزورانه میگوید مردم را بفریبید و کینه خویش و مبارزه آنها را از شاه عامل اصلی جنایات برگرداند و در مسیر دیگری بیند از د.

همه کس میداند که شاه در مرکز رژیم کنونی است، نماینده هار ترین و ارتجاعی ترین طبقات کشور ما است و ارضاع امپریالیسم جهانی در ایران است، همه چیز محور او میگرد، همه چیز با اشاره و تصویب او است، شاه آنچنان استبداد سیاهی در کشور ما حکمروا ساخته که در تاریخ و قرون اخیر ایران سابقه نداشته است. کسانی که در راس امور قرار گرفته اند مهره های بی ارزشی هستند در دست او که هر لحظه که اراد نکند میتواند آنها را بد و رافس کند، چا اگرانی که هر آن میتواند بخند مت آنها خاتمه دهد. هیچ قدرتی در برابر شاه قادر به عرض اندام نیست، نخست وزیران، وزیران روسای سازمان های مهم کشوری و لشکری می آیند و میروند ولی جنایات و خیانت ها و فساد رژیم همچنان برجای میماند.

شاه صیبت اصلی سیه روزی و اسارت مبین ماست بد شمن شماره ۱ خلق های ایران است. نیرو های انقلابی ایران بد رستی شخص شاه را هدف گرفته اند و کینه مبارزه مردم را علیه او توحیه میکنند. شاه جنایتکار برای مردم همانا شناخته نیست. رویزونیست ایرانی از گوش خود بخاطر رد برگداشتن شاه طرفی نخواهند بست ولی مشت خود را به ثابته دلالان امپریالیسم شوروی و حماسی رژیم باز هم بیشتر خواهند گشود.

کمک ر ویزیونیست ها!

اخیرا نردن سیانوک (رئیس دولت گامبوج) بمجله "اکسپرس اظهار داشته است: "بنظر من روس ها خود را از سفید ها میدانند و میخواهند که زرد هار زیاد نیرومند بشوند. البته برای اتحاد شوروی دشوار است که بهیوتنام شمالی که کشوری سوسیالیستی است کمک نکند. ولی آنچه اگر اتحاد شوروی بهیوتنام شمالی میدعد من دید هام. اتحاد شوروی هواپیما ها، موشک ها و رادار ها بهیوتنام شمالی میدهد که در ن نیست. روس هایک چهارم آن چیزی را هم که بصرد اده اند به هانوی نداده اند. چرا؟ زیرا که روس ها نمیخواهند هانوی پیروز شود. روس ها با آنکه امکانات بسیار ر اختیار دارند فقط آن اند از اسلحه کم برای شکست نخوردن لازم است ولی برای پیروز شدن کافی نیست به هانوی میدهند. بنظر من روس ها نمیخواهند خلق های آسیایزاد قوی بشوند. بنظر من امریکائیها و روس ها در نزاد پرستی مشنوک اند و هر دو به عقده خطر زرد ککویاد ر وجود چین تجسم یافته است گرفتارانند."

روزنامه لوموند ۱۴ دسامبر ۱۹۷۱

خلق های هندوچین

خلق های سه گانه هندوچین با تحکیم وحدت خود، با معاضدت و معاونت یکدیگر و با پایداری در جنگ توده ای ضولانی خواهند توانست کلیه دشواری ها را از پیش بردارند و به پیروزی نائل آیند.

مانو سه دون

تیمسکاران امریکائی ... بقیه از ص ۴
 آغاز مبارزان مجد و سواجی مسکوس و عمر مسکونی و بنام شمالی را به ثابته نیکیت قطعی نقشه نیکسور برای ویتنامی کردن جنگ ویتنام اعلام داشت.

مبارزان اخیر ویتنام شمالی افکار عمومی مردم امریکارا با زهم بیشتر علیه نیکسون و علیه جنگ تجاوزکارانه ویتنام پرا نگیخته در بسیاری از شهر های امریکانظا هرات وسیعی علیه این اقدام وحشیانه صورت گرفت. بسیاری از سربازان امریکائی که در رگد شته در میدان جنگ ویتنام بودند در این نظا هرات شرکت جستند. بسیاری از پدران، مادران و همسران سربازان و اسیران نظامی امریکار ویتنام علیه این تصمیم اخیر دولت امریکابنظا هرات پور اختند. آنها بار دیگر اعلام کردند که گناه اینکه هر روز خون بسیاری از فرزند ان امریکار ویتنام ریخته میشود تنها و تنها بگردن جنگ افروزان امریکائی است. آنها بدین وسیله با این اطلاع راد بیوی ویتنام شمالی صحه گذاشتند که "تنها و سبترین رانجات جان سربازان امریکا اینست که این سربازان از هتد و جین فراخواند میشوند و جنگ تجاوزکارانه ر هتد و جین خاتمه برد."

افسانه عظیم ... بقیه از ص ۴

د شرکت امریکائی با مشارکت شخصی بنام هاشم نراقی
 ۲۰ هزار هنگار
 شرکت امریکائی شل اند میچل کانس ۱۵ هزار هنگار
 عد های دیگر از سرمایه داران امریکائی ۱۸ هزار هنگار
 شرکت امریکائی فرانسولرد ۱۰ هزار هنگار
 یند شرکت یوکوسلاوی ۱۰ هزار هنگار
 شوکت های مد کورلی الاصول ارتباطی با بازار داخلی ایران ندارند شکی با آب ارزان وزمین های پر برکت خوزستان و کارگران استثمار زده ایران محصول فراوان و عالی بدست می آورند و بخارج صادر میکنند. برای مثال می توان گفت که هاشم نراقی در سال ۱۳۴۹ تخمین میزد که در سال آیند فقط ۱۶۰ میلیون تومان صادرات پنجه خواهد داشت.

محنه تهران اکنون نیست چنین دامه میدهد:
 "تاسفانه زیان پیش بینی نشده در یگری نیز به سد محمد رضاشاه وارد آمد هاست و آن کاهش لحظه لحظه سن سد میباشد. در راجه در طی ده سال بی شمر خود ۳۰۰ میلیون تن گل و لای راد ر خود فرو برد هاست و این گل و لای همه روز برسد بخود فشار می آورند بخشرد متر میشوند و تبدیل به لایه های رسوبی میگردند و از ارتفاع در راجه میگانهند، و اینجاست که سن ۱۱۰ ساله سد (سن پیش بینی شده آن) تبدیل به ۳۵ سال شده هاست."

امام رمورد میزان برق سد در روزنامه اطلاعات در ۲ اسفند ۱۳۴۴ چنین نوشت:
 "از هفت توریین سد ر که قرار است ۶۲۰ هزار کیلووات نیرو بد اکون رود ستگا هشت و پنج هزار کیلوواتی برای تولید برق مورد استفاده هاست ... هنوز نصف برق به ۲۰ هزار کیلووات شتفیرسد" (بنظر از گزارش خوزستان نوشته آل احمد).
 سرگشتند در سرگشت همه سد هائی است که در ایران ساخته شده هاست.
 این سد ها مظهر عظیمی از سلطه استعمار نوین بر ایران اند.

از زندگی مردم

اجاره خانه در تهران همچنان سیر صعودی دارد و میزان اجاره از سال گذشته ناگهان به تقریب پانزده تا بیست درصد افزوده شده است... خانه های که مردم طبقه متوسط قادر بد پرداخت گزایه آن باشند و بتوانند در آن سکونت کنند کمیاب است و همچنین میزان اجاره های سه این طبقه میبرد از قدرت و استقلات آن خارج است. چهر درصد از درآمد ماهانه طبقه متوسط فقط صرف پرداخت گزایه خانه میشود درآمد بعضی از مالکان بیش از درآمد صاحبان صنایع و کارخانه داران میباشد.
 (کیهان ۳۰ خرداد ۱۳۵۰)

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 12470/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ آزادی بخش خلق فلسطین

از چاله بچاه

افسانه عظیم سدها

ما بارها متذکر شدیم که این کمبودهای بزرگی که در ایران بوجود آمده و وسیله لای وگراف محمد رضا شاه است بدست شرکت های امیرالیستی و براساس منافع خود آنها طرح ریزی شده است. امیرالیست های مینون ها در ازبایستوام، از اذقنه کسی فروش مصالح ساختمانی، نظارت در ساختمان و غیره و غیره سود بردند. اینک نیز بهترین زمین های آبیاری شده را بنام واحد های کشت و صنعت در اختیار خود گرفته اند و بفارغ دست و استعمار امید هفت سدها که در هم آهنگی با سایر رشته های اقتصاد ایران و با توجه به منافع هفتادان زحمتکش ساخته نشدند و چه بسیار که فاقد نیروی انسانی لازم است غالباً آب و برق خود را بپردازند و در توربین های برخی از آنها چون کارخانه در دسترس ندارند و اکثر آنها باید باشد. بعضی از ریاچه هایی که سدها بوجود آورده اند وسیله تفریح معدودی از تروتمندان است ولی هیچیک از آنها عطش زمین های سوخته هفتادان تهیه دست ایران را فرو نماندند.

این موضوع را اگر نگاه کنیم برخی از مقامات رسمی و دولتی نیز پانرس سربازان را ندانند. از آن جمله وزیر ادگتری در ده سال پیش در مصاحبه ای گفت: "در قسمت کشاورزی، بیشتر اعتبارات مصرف ساختن سدها بزرگ شد و مبالغ هنگفتی بابت مطالعه مهندسی مشاوران داده شد و اینگونه مطالعه در باره هزینه های جاری مربوط به اداره و نگهداری آنها شده باشد و مسائل مربوط به اداره و فروش آب و تشکیل سازمان آب و هزینه نگهداری شبکه های آبیاری و فروش نیروی برق حل نشده و هزینه پیش بینی شده سدها بزرگ توسط مهندسان مشاوران چندان برآورد نشده و نتیجه تخصیص قسمت اعظم اعتبارات آبیاری بساختن سدهای بزرگ، این شده است که اعتبار کافی برای اجرایی طرح های مربوط به حفره های عمیق و کم عمق واحدها، قنات جدید و تنقیه قنات قدیم که مراتب ارزان تر و عملی تر از ساختن سدهای بزرگ است باقی نماند" (اطلاعات ۱ بهمن ۱۳۴۰).

مجلسه اطلاع بازگانی در شماره شهرورومهر ۱۳۴۱ نوشتیم: "باتمام ساختمان سدها یعنی که در برنامه عمرانی و پیش بینی شده است بیش از ده درصد سطح اراضی قابل کشت افزوده نخواهد شد. . . حفره های عمیق و کم عمق واحدها قنات جدید و واحدها قنات قدیمی با مقایسه با ساختن سدهای بزرگ شاید به مراتب ارزان تر و عملی تر باشد."

اینکه برای آنکه واقعیت سدها سازی حکومت کودتا نمایان تر گردد گوشه ای از سرگذشت سدها محمد رضا شاه را با استناد به مجله تهران اکونومیست مورخ ۸ ابان ۱۳۵۰ از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم: "ساختن سدها محمد رضا شاه بر روی رودخانه دز (در خوزستان) در ۱۳۳۰ با گرفتن وامی به مبلغ ۳۱۵۰۰۰۰۰ ریال از بانک بین المللی بوسیله پیمانکاران آلمانی آغاز شد. پس از سه سال سان بیایا رسید شاه آنرا کشود. هنگام کشایش سدها شاهنشاه آریا سهرمد تنها به ریاچه زیبا و بزرگ، تاج مد و روخوش حالت و درجه های آن خیر شد. در گزارشی که در کردید که از سرکست احداث این سدها ۱۲۵ هزار هکتار زمین سبز و خرم خواهد شد و وزیر کشت خواهد رفت."

"از آن روز ده سال گذشت است، ده سال بی ثمری سود زیرا تا سه سال بعد از آن روز، نفعی از سدها سدها به ۱۲۵ هزار هکتار زمین جاری نشد بلکه مانند سابق مستقیماً به داخل خلیج فارس میریخت بدو آنکه برای زراعت پیش بینی شده از آن استفاده شود. سال ۱۳۴۴ سطح زیر کشت سدها به ۲۲ هزار هکتار رسید و تا دو سال در همین رقم توقف ماند. . . سال ۱۳۵۰ پس از ده سال که از کشایش سدها شده است سطح زیر کشت نزدیک به صد هزار هکتار رسید است در حالی که ده سال پیش باید سطح زیر کشت ۱۲۵ هزار هکتار میشد."

در اینجا اضافه کنیم که آن قسمت از اراضی زیر سدها که زیر کشت رفته در دست شرکت های امیرالیستی است که گمان برخی از آنها تاکنون در گوشه و کنار جرائد منتشر شده است، از این قرار: بقیه در ص ۳

دولت متجاوز توسعه طلب هند پس از تجاوز آشکار به کشور همسایه خود پاکستان و تصرف بنگال شرقی از راه جنگ خونین؛ عروسی را که خود ساخته بود اخته، بنام دولت "مستقل" بنگالی با هواپیمای نظامی از کنگه بهدرا حمل کرد، بر مسند حکومت نشا و آن را به بنام دولت جدید الولاده ای برسمیت شناخت. اکنون در قسمتی از سرزمین پاکستان و ولتی آزاد و "مستقل" از قشدر دولت موبوتو در کنگو، دولت سوهارتو در اندونزی، دولت هوساک و استروگال در چکوسلواکی و البته دولت آزاد و "مستقل" شاه در کشور خود مان یا بعرصه وجود گذاشته است.

البته این مولود تازه برای ادامه حیات احتیاج بهد ایگانی دارد که او را زیر بال خود بگیرند و از گردن حوادث مصون دارند. بیپسوده نیست که دولت هند هم اکنون اعلام اشتهاست که ارتش بی تا ثمادی شدن در بنگال همچنان در این سرزمین باقی خواهد ماند. امروز همه کس معنی ثمادی شدن را در می یابد. ارتش سوسیال امیرالیسم شوروی هنگامی که نشانی مانند بلای آسمانی بر سر خلق چکوسلواکی نازل شد و برای مردم این کشور آزادی و سوسیالیسم بهار مغان آورد اعلام داشت که پس از ثمادی شدن وضع خاک این کشور را ترک خواهد کرد. اکنون سه سال و نیم از آن تاریخ میگذرد و چکوسلواکی همچنان در اشغال ارتش اشغالگر شوروی است باین علت که کویا وضع هنوز بحال عادی بازنگشته است و با احتمال قوی باین زود بپا و نشاید هم مرکز بحال عادی باز خواهد گشت.

برای شناخت سرشت دولت پوشالی بنگال کافی است به حامیان و تالیف کنندگان آن نظری بیفکندید: دولت تاجلی هند، سوسیال امیرالیسم شوروی، دولت اسرائیل، امیرالیسم انگلستان، امیرالیسم ژاپن، امیرالیسم فرانسه و البته درخفا امیرالیسم آمریکا. چنین است آن دولت آزاد و "مستقل" که تمام نیروهای ارتجاعی، ضد انقلابی و استعمارگر جهان ولایت آن را تسهیل میگویند. بدیهی است خلق بنگال را بچنین آزادی و "استقلال" بچنین دولتی پوشالی نیازی نیست و روزی برود اصل لنینی "حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش" نمیتواند بر این آزادی و استقلال

که در واقع افزودن وسعت کردن بند های اسارت خلق بنگال است صحنه ها.

اما این هنوز تمام نیست. بر طبق تخمین هایی که در می شود برای آنکه اقتصاد بنگال شرقی که بر اثر بلا یای طبیعی و جنگ آسیب فراوان دیده احیا شود میلیی بیش از سیلیارد دلار ضروری است که کیسلینگ های اکا بداند و سترسی ندارند. اینست که احیای و عواطف بشردوستانه امیرالیست ها و از آن جمله اتحاد شوروی بخلیان آمده است. آنها از هم اکنون آمادگی خود را برای کمک به اقتصاد و رستگاری همسایه سوخته بنگال شرقی اعلام میدارند و در این راه هر یک میگویند برد دیگری سبقت گیرد. ماهیت کمک امیرالیست ها آنقدر روشن است که نیازی به توضیح ندارد. به این ترتیب دولت بسیار آزاد و "مستقل" بنگال هنوز با دست های هند بد نیانیا مدگر قنار اسارت سیاسی، اقتصادی، نظامی . . . یک مشت دولت توسعه طلب امیرالیستی است که برای استعمار خلق ۷۵ میلیونی بنگال شرقی کمر همت بسته اند. حتی روزنامه لوموند این واقعیت را نمیتواند بپوشاند که "خلق بنگال" فقط استعمارگران خود را عوض میکند.

تجاوز هند بر پاکستان، تجاوزی که با تشویق و کمک نظامی همه جانبه شوروی انجام گرفته آشکارا سرشت کشور شوروی را به مشابیه امیرالیسم نوظهور، امیرالیسمی به مراتب خشن تر و بی پروا تر، امیرالیسمی که مانند امریکا خیال خام تسلط بر سراسر جهان را در سر می پروراند نشان داد: نشان داد که در پشت نقاب فرشته صلح و سوسیالیسم چه امری به خون آشامی نهفته است. امیرالیسم شوروی در جریان حوادث سالهای اخیر نشان داد که برای حفظ و توسعه مناطق نفوذ خود از هیچ وسیله ای روی گردان نیست از تجاوز مستقیم آنچنان که در چکوسلواکی پیش آمد، از توسل به کودتای نظامی آنگونه که در رسوای عمل کرد، از تجاوز با واسطه با دست مابشران خود آنطور که تجاوز به پاکستان صورت گرفت، از راه نفوذ اقتصادی، نظامی و سیاسی بد انسان بقیه در صفحه ۳

تبهکاران امریکائی در هند و چین

لاکوس را آزاد ساخت. ارتش سپهستان کامیونیزم در جنگ کحوالی جاده شماره ۶ پیروزی بزرگی بدست آورد. پس از صد روز و حمله ارتش امریکا و ارتش ارتجاعی رژیم لئون سونل باین نواحی با شکست قطعی مواجه گردید. بسیاری از ایلیا که همای در شمن سقوط کردند، چندین شهر آزاد گردیدند. در این جنگ ۲۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن آزاد آمدند و چندین هزار نفر از آنان اسیر شدند. پس از آغاز جنگ آزادی بخش خلق کامیونیزم، این بزرگترین پیروزی خلق و بزرگترین شکست با امریکا و ارتش های ارتجاعی بود. حتی خبرگزاری آسوشیته پرس اعتراف کرد که این بزرگترین شکست امریکا ظرف ۲۰ ماه اخیر بود. در مناطق مختلف ویتنام جنوبی نیز سدها امیرالیست های امریکا شکست های بزرگی وارد گردید. همه اینها بار دیگر ثابت کرد که تعیین سرنوشت جنگ هند و چین وابسته به تصمیمات و نقشه های امیرالیست های امریکا نیست. نیروها انقلابی هند و چین هر چه بیشتر میجنگند، نیرومند تر میگردند و پوسی ارتش های ارتجاعی هر چه بیشتر میجنگند، فرسودگی و میرندگی بیشتری پیدا میکنند. چهره امیرالیسم امریکا نیز پس از هر کدام از این ماجرا ها متضخ تر و سوار تر میشود. بهاران اخیر ویتنام شمالی نیز با فتنه ریاکاری های امیرالیسم امریکا کمک بیشتری کرد. به عفتاب کرد که خوی جنگ افزوری امیرالیسم امریکا قابل درگونی نیست. سیه جنگ افزوزانه امیرالیسم امریکا بد تغییر پذیر نیست و شکست امیرالیسم امریکا در ویتنام از شکست نظامی او جدا نیست. باین شکست تنها در عرصه جنگ میتواند تعیین شود. راه دیگری وجود ندارد. بهاران مجد و ویتنام شمالی در امریکا نیز عکس العمل های شد علی هر رژیم نیکسون ایجاد کرد. سناتور مک گروین که خود متعلق به محافل حاکمه امریکا است اعتراف کرد که بهاران مجد و ویتنام شمالی عمل وحشتناکی است که امریکا را باز هم بیشتر در برابر هند و چین فرو میبرد. بعقیده او این تلاش امریکا بسود آزادی اسرای نظامی امریکا نیز نیست بلکه بران آنهاست. مک گروین که خود را نامزد ریاست جمهوری امریکا اعلام کرده است. بقیه در صفحه ۳

امیرالیست های امریکا بار دیگر حملات هوایی وسیع خویش را بر سرزمین جمهوری دموکراتیک ویتنام آغاز کردند. هدف این حملات بنیاد عادی محافظ نظامی امریکا بارت بود. از نقاط سوق الجیشی ولی در حقیقت آنچسور بمباران قرار گرفت مثل گشته مناطقی مسکونی، کارخانجات، مدارس، بیمارستان ها و غیره بود. علت این اقدامات در منشانه امیرالیست ها چیست؟

واقعیت اینست که امیرالیسم امریکا باین تلاش مذبحانه میگویند موقعیت نظامی خویش در هند و چین را بهبود بخشند و نیروهای انقلابی ویتنام، کامیونیزم و راهبهای اخیر سره نیروهای امریکائی و ارتش های ارتجاعی محلی تلفات فراوانی وارد ساختند و موفقیت های جدیدی کسب کردند. امیرالیسم امریکا که از سال ۱۹۶۸ نقشه ویتنامی کردن جنگ هند و چین را بسوقع اجرا گذاشته بود بدین منظور بمباران را در ویتنام شمالی را الاقل بطور رسمی موقوف ساخته بود، بخصوص در سال گذشته به شکست نقشه خویش پی برد. امیرالیست ها گمان میکردند که با گذشتن بار جنگ به دست ارتش ارتجاعی ویتنام جنوبی و سایر ارتش های ارتجاعی هند و چین، به جنگ هند و چین سیمای جدیدی خواهند بخشید، از تلفات نیروهای امریکائی خواهند گاسته و افکار عمومی جهان در چار این شبهه خواهد شد که جنگ امریکا و آسیانیت، جنگ آسیاینها با آسیاینهاست. ولی این نقشه امریکا از سال ۱۹۶۸ تاکنون هرگز نشانی از موفقیت ند اشتهاست. با گذشتن بار بیشتر جنگ بدوش ارتش های ارتجاعی، تلفات این ارتش ها افزایش یافت بدو اینکا از تلفات نیروهای نظامی امریکا بطور قابل ملاحظه ای کاسته شود. افکار عمومی جهان نیز هرگز فریب تبلیغات جنگ افزوزان را نخورد و چنین گمانی بخود راهنداد که امیرالیسم امریکا صلح در هند و چین را تدارکسی بیند. خلقهای هند و چین نیز صمیمانه جنگ انقلابی خویش را ادامه دادند. در اواخر ماه سامیر ارتش انقلابی لاگوس بنا به اعتراف دولت ارتجاعی لاگوس به تعرض خویش ادامه داد و منطقه نظامی ارتش ارتجاعی

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان!